

تعیین الزامات آموزشی اطلاعات‌محوری در نیروی  
انتظامی جمهوری اسلامی ایرانامیرحسین یاوری بافتی<sup>۱</sup>رسول نجار باغسیاه<sup>۲</sup>علی یکتا<sup>۳</sup>

چکیده

پیچیدگی جرایم، تحولات محیط مجرمانه، و تنوع در تصمیم‌گیران تاثیرگذار بر جرم، نیروی انتظامی را ناگزیر به پذیرش و توسعه رویکرد اطلاعات‌محوری نموده است. پذیرش و حرکت به سمت این رویکرد، نیازمند ایجاد بسترهای لازم از جمله آموزش کارکنان است. آموزش این رویکرد جدید، نیازمند سرفصل و محتوای آموزشی است. بنابراین، هدف از انجام این پژوهش، شناسایی بایسته‌های آموزشی پلیس اطلاعات‌محور در ناجا است. روش پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر نوع داده، کیفی است. جامعه آماری شامل؛ کارکنان و اساتید دارای تجربه کار و سابقه مطالعه در حوزه پلیس اطلاعات‌محور هستند که تعداد 10 نفر به عنوان حجم نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی، انتخاب شدند. در این پژوهش گردآوری داده‌ها از طریق پرسشنامه باز و با سؤالات نیمه ساختاریافته (عمیق) انجام شده است. روایی سؤالات از طریق خبرگی مورد سنجش قرار گرفته است. تحلیل داده‌های کیفی پژوهش از طریق تحلیل مضمون انجام شد. در این تحقیق مراحل تحلیل داده‌های کیفی گردآوری شده، از طریق کدگذاری باز،

1 دانشیار مدیریت منابع انسانی، دانشگاه علوم انتظامی امین، yadyaran.90@gmail.com

2 استادیار آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه علوم انتظامی امین، (نویسنده مسئول)، rasool.najjar@police.ir

3 دانشجوی دکتری جرم‌یابی دانشگاه علوم انتظامی امین aliyektaxi@gmail.com

محوری و انتخابی انجام شد. در مرحله کدگذاری باز، کدهای اولیه معنادار یا مقدماتی در ارتباط با موضوع پژوهش استخراج گردید. نتایج تحقیق نشان داد که سه مؤلفه تصمیم گیرنده، محیط مجرمانه و اطلاعات جرم هرکدام به تفکیک نیازمند تعریف سرفصل های آموزشی در محیط این تحقیق می باشند. عمده سرفصل های تفکیک شده در مقاله مورد بحث قرار گرفته است.

کلید واژه: آموزش در نیروی انتظامی، پلیس اطلاعات محور، سرفصل آموزشی

#### مقدمه

آموزش علوم انتظامی نوین، از بایسته های پذیرش و یا عدم پذیرش این علوم در روش های اجرایی پلیس خواهد بود (ایترنو، ورما، داس، و داس<sup>۱</sup>، 2017). بنابراین مفاهیم ورودی به پلیس بعنوان یک سازمان، برای اجرایی شدن نیازمند برنامه ریزی آموزش است. مفهوم پلیس اطلاعات محور یا پلیس اطلاعات پایه، رویکردی نوین به فلسفه کاری در علوم انتظامی است (یاوری بافقی، نجار باغسیاه، 1396) که اجرای صحیح و بومی سازی مناسب آن نیازمند برنامه ریزی آموزشی می باشد. از ارکان این برنامه ریزی آموزشی، آموزش منابع انسانی است که می تواند به عنوان یک ابزار در دستیابی به مزایای رقابتی سازمان پلیس مورد استفاده قرار گیرد (حاتمی، فتحی، زمانی و جعفری، 1397).

تحقیقات نشان می دهد، «در سازمان ها؛ کارکنان آموزش دیده موجب حفظ تداوم و بقای سازمان می شوند» (آلفانی، 2016: 402)<sup>۲</sup>. با آموزش برخی دانش ها، نگرش ها و مهارت های خاص می توان عملکرد را ارتقاء بخشید. برای تشخیص مهم ترین دانش ها، نگرش ها و مهارت ها از نیازسنجی آموزش استفاده می شود (میلر، 1976)<sup>۳</sup>. از طرف دیگر

1 Eterno, Verma, Das, and Das

2 Alfani

3 Miller

این نیازسنجی آموزشی است که سرفصل‌ها و منابع متقن برای برنامه ریزی آموزشی را در اختیار برنامه سازان قرار می‌دهد.

از آنجا که پلیس اطلاعات‌محور، یک نگاه فلسفی به امور انتظامی است و مانند سایر رویکردهای پلیسی نه تنها محیط پلیس، بلکه محیط جرم، اعتقادات و بینش مردم را نسبت به پلیس تغییر می‌دهد، آموزش فرهنگ و ارزش‌های این فلسفه بر اساس محیط بومی ناجا نیازمند احصاء مؤلفه‌های آموزشی اولویت دار این رویکرد خواهد بود تا بتوان بر اساس آنها اقدام به برنامه‌ریزی اجرای آموزش پلیس اطلاعات‌محور نمود. بنابراین بنظر می‌رسد نیاز به یک نیازسنجی آموزشی برای اجرایی نمودن آموزش اطلاعات‌محوری از گام‌های اولیه تحقیق و پژوهش در این رویکرد نوین باشد. این مطالعه تلاشی است تا الزامات آموزشی پلیس اطلاعات‌محور در ناجا را از دیدگاه این نیازسنجی بررسی نماید. از آنجا که این ابعاد و الزامات آموزشی تاکنون در تحقیقات و بررسی‌ها چندان مشاهده نشد، احصاء آنها را می‌توان اولویت تعریف دوره‌های آموزشی در آینده دانست. بدیهی است بدون دانش و آگاهی تحقیقاتی از نیازهای آموزشی در پلیس اطلاعات‌محور نمی‌توان به‌درستی این رویکرد را در امور پلیسی ادغام نمود.

#### هدف تحقیق

این تحقیق بدنبال آن است تا اولویت‌ها و الزامات آموزشی در پلیس اطلاعات‌محور را با توجه به مدل اصلی این رویکرد یعنی مدل 4-1 را بررسی نماید. بعبارت دیگر هدف اصلی تحقیق تعیین الزامات آموزشی رویکرد اطلاعات‌محوری در ناجا می‌باشد. هدف دیگر تحقیق شناسایی و پیشنهاد سرفصل‌های آموزشی مبتنی بر الزامات آموزشی اطلاعات‌محور در ناجا خواهد بود. بنابراین سعی خواهد شد تا به سوالات ذیل پاسخ داده شود:

#### سؤال اصلی تحقیق

الزامات آموزشی در پلیس اطلاعات‌محور در ناجا کدامند؟

#### سوالات فرعی

الزامات آموزشی رکن تصمیم‌گیرنده در پلیس اطلاعات محور در ناجا کدام است؟  
 الزامات آموزشی رکن محیط مجرمانه در پلیس اطلاعات محور در ناجا کدام است؟  
 الزامات آموزشی رکن اطلاعات جرم در پلیس اطلاعات محور در ناجا کدام است؟

ادبیات و مفاهیم تحقیق

تربیت و آموزش زیربنای حجم عظیمی از فعالیت‌های پلیسی می‌باشد که خود در ایجاد مهم‌ترین منابعی که برای کار پلیس لازم است مؤثر می‌باشند: مهم‌ترین و مؤثرترین منابع پلیس، نیروی انسانی آن است (استانیسلاس<sup>۱</sup>، 2014). تربیت و آموزش<sup>۲</sup> در ادبیات موجود به فعالیت‌های رسمی گفته می‌شود که به منظور ارتقای عملکرد انسانی در زمینه خاص طراحی شده و در نتیجه، اثربخشی دارنده نقش (فراگیر) را ارتقا می‌دهد (کِرکپاتریک<sup>۳</sup>، 1998). این تربیت و آموزش «مستلزم انجام فعالیت‌های آموزشی منظم و مستمر در تمامی سطوح سازمانی است (صبرکش، مزینانی، و نورمحمدی، 1392: 111). بنا به نظر بروو<sup>۴</sup> (1995) یکی از بازیگران اصلی در تربیت و آموزش پلیس عوامل تغییر محیطی هستند که به عنوان محرک‌های تغییر در جهت ارتقای عملی امور پلیسی تلاش می‌کنند. از عمده عوامل تغییر، تحول در فلسفه امور پلیسی است که می‌تواند آموزش پلیس را نیز دستخوش تحول و گوناگونی نماید.

اطلاعات محوری: پلیس اطلاعات محور به چارچوب مدیریت اطلاعات جنایی و برنامه‌ریزی عملیاتی پلیس اشاره دارد که در آن، اطلاعات برای تعریف اولویت‌ها، اهداف استراتژیک و عملیاتی در پیشگیری و سرکوب جنایات و سایر تهدیدهای امنیتی بعنوان پایه و اساس کار قرار دارد. همچنین، پلیس اطلاعات محور شامل تصمیم‌گیری‌های مناسب در مورد اقدامات و فعالیت‌های عملیاتی پلیس، استفاده منطقی از منابع انسانی موجود و

1 Stanislas  
 2 Training & education  
 3 Kirkpatrick  
 4 Brew

تخصیص منابع مادی و منابع فنی است (وزارت کشور جمهوری صربستان، 2016). بر اساس آخرین تعاریف پلیس اطلاعات‌محور:

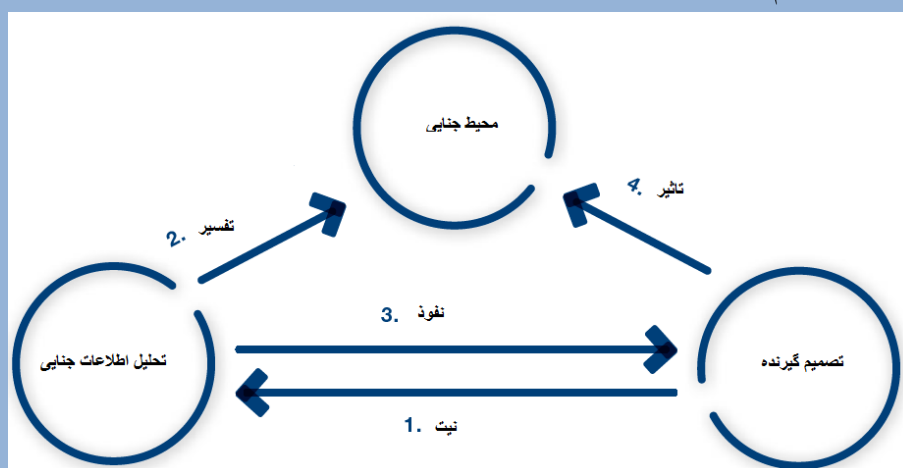
بر تحلیل و اطلاعات تأکید می‌کند و تحلیل و اطلاعات را بعنوان بنیادها و محور چارچوب عینی و تصمیم‌گیری می‌داند؛ چارچوبی که نقاط جرم‌خیز، بزه دیدگی مجدد، متخلفان پُرکار و فعال و گروه‌های جنایتکار را در اولویت قرار می‌دهد. این کار، کاهش جرم، آسیب‌ها و اختلال‌ها را از طریق مدیریت، آرایش و آمادگی، و اجرای استراتژیک و تاکتیکی تسهیل می‌کند.<sup>1</sup> راتکلیف<sup>2</sup> (۲۰۱۶: ۶۶).

الگوی اطلاعات‌محوری: الگوی غالب در پلیس اطلاعات‌محور مدل (i-4) است. این مدل که از 3 رکن محیط جنایی، تصمیم‌گیرنده و اطلاعات جنایی تشکیل شده است، در توضیح نقش‌ها و ارتباط بین بازیگران کلیدی مفهوم پلیس اطلاعات‌محور، مفید است؛ یعنی بین مفاهیم محیط جنایی، تحلیل‌گر اطلاعات جنایی و تصمیم‌گیرنده پلیس. این مدل بر رابطه‌ی بین تجزیه و تحلیل جنایی و تصمیم‌گیران تأکید دارد. تصمیم‌گیرندگان (مدیران)، تحلیل‌گران اطلاعات جنایی را راهنمایی کرده، به آنها توصیه‌های خود را ارائه داده و برای آنها ابلاغ ماموریت کرده و مسیر حرکت را مشخص می‌کنند. در وهله اول، تصمیم‌گیرندگان باید اطمینان حاصل کنند که نيات و اهدافشان توضیح داده شده و درک می‌شود. در مرحله دوم، تحلیل‌گر، بافت جنایی را تفسیر می‌کند و در قدم بعدی در تصمیم‌گیرندگان با یافته‌های تجزیه و تحلیل خود نفوذ می‌کند. بر اساس این یافته‌ها،

1 منظور این است که هم مدیریت استراتژیک و راهبردی است و هم آمادگی و هم اجرا در دو سطح استراتژیک و تاکتیکی است.

2 Ratcliffe

تصمیم گیرندگان بر بافت جنایی از طریق مدیریت استراتژیک، برنامه های عملیاتی، و تحقیقاتی اثر می گذارند. الگوی اطلاعات محوری در شکل 3-1 ارائه شده است.<sup>1</sup>



شکل 3-1 مدل چهارای (i-4) نیت، تفسیر، نفوذ و تأثیر. منبع: راتکلیف<sup>2</sup> (۲۰۱۶: ۸۳)

پیشینه تحقیق بررسی های محقق نشان می دهد که متغیرهای اصلی این تحقیق یعنی تربیت و آموزش پلیس و پلیس اطلاعات محور بصورت بررسی تاثیر دو متغیر بر یکدیگر کمتر مورد توجه بوده اند. بنابراین، بررسی پیشینه آنها بصورت تفکیکی در این مقاله ارائه می شود.

پیشینه داخلی تربیت و آموزش پلیس: از لحاظ فلسفه های آموزشی در ارائه آموزش به کارکنان ناجا تحقیقاتی وجود دارد. بعنوان مثال شابک (1391) معتقد است که به ترتیب اولویت «بودجه و زمان، محتوای آموزشی، تجربه و تسلط علمی مدرس، انگیزه و تلاش دانشجو، محیط آموزشی، مدیریت و رهبری دوره» (ص. 120) بر یک دوره آموزشی در ناجا اثر دارد. بهرنگی (1389) معتقد است که نحوه تزریق مفاهیم درسی به مراحل

1 دفتر مقابله با جرم و مواد مخدر سازمان ملل در سند «راهنمای فنی» بر نقش کلیدی تحلیلگر و محصولات تحلیلی در فرآیند تصمیم گیری تأکید دارد. به مدل ابلاغ ماموریت در سند دفتر مقابله با جرم و مواد مخدر سازمان ملل (یو إن اُ دی سی، 2011، ص 5) مراجعه کنید.

2 Ratcliffe

آموزش در مرحله تنظیم برنامه درسی از اهمیت معنادار برخوردار است و بنابراین برای ورود یک مفهوم جدید به نگرش و عمل کارکنان ناجا لازم است برنامه ریزی درسی بعنوان یک متغیر معنادار مورد توجه باشد. استرکی (1389) مراحل نیاز سنجی و آسیب شناسی در فرآیند آموزش را در ارائه مفهوم آموزشی جدید بعنوان یک متغیر تاثیرگذار مورد تحقیق و واکاوی قرار داده است. حاتمی، فتاحی و اجارگاه، زمانی مقدم، جعفری، (1397) در انجام تحقیق خود اثبات کرده اند که زمانی می توان یک دوره آموزشی به پلیس را با کیفیت قلمداد کرد که خروجی هایی مانند «ایجاد سطح خاصی از توانایی در حداکثر زمان ممکن، ارضای نیازهای مهارتی و برآورده کردن نیازهای توسعه ای مسیر شغلی، حاصل شده باشد» (ص. 19).

تحقیقاتی نیز در خصوص آموزش شیوه های جدید پلیسی، تکنولوژی نوین، و ورود ایده های نو و یا بطور کلی نقش آموزش با تاکید بر آینده سازمان پلیس انجام شده اند. می توان گفت از آنجا که محیط عملیاتی پلیس در حال تغییر است، بنابراین، کارکنان متخصص و ماهر هم در زمان کوتاهی پس از استخدام نیازمند دریافت دانش و مهارت می باشند. صبرکش، مزینانی، نورمحمدی (1392) معتقدند که:

«آموزش نیروی انسانی سرمایه گذاری پر سودی به شمار می آید، که بازده آن در واقع یک امر حیاتی و اجتناب ناپذیر است که باید به طور مستمر در سازمان مورد توجه قرار گیرد، چرا که آموزش یکی از راه های اصولی و منطقی هدایت تلاش های کارکنان در سازمان است و باعث به کارگیری استعداد های نهفته، به کار اندازی قدرت تخیل و به وجود آمدن حسن انعطاف پذیری فکری لازم در کارکنان خواهد شد.» (ص. 109)

پیشینه خارجی تربیت و آموزش پلیس: بین وضعیت آموزش و تربیت پلیس به عنوان یک حوزه مطالعاتی و تحقیقاتی در مقایسه با اهمیت آن در عرصه عملی تفاوت وجود

دارد (ورث<sup>۱</sup>، 2009). این موضوع به طور خاص در موضوع تربیت نیروهای تازه استخدام شده مشهود است که فشرده ترین شکل تربیت پلیسی و طولانی ترین دوره آموزشی را می بینند (بولینگ و شپتیکی<sup>۲</sup>، 2010). اهمیت تربیت و آموزش به عنوان یک حوزه پویا از لحاظ اقدام راناولس و همکاران<sup>۳</sup> (2005: 297) در محیط پلیسی ایالات متحده آمریکا بحث می کنند و آن را به تصویر می کشند. این محققین رشد بخش تربیت در سه دهه اخیر را به لحاظ تاریخی ردیابی نموده و در زمان انتشار گزارششان این صنعت را یک صنعت 30 میلیارد دلاری در ایالات متحده آمریکا با 15 میلیون کارمند که در 1.7 میلیون دوره آموزشی شرکت دارند عنوان می کنند.

فیلد و باتن نقش افراد بازنشسته پلیس در آموزش پلیس را مورد تحقیق قرار داده اند. بیلی<sup>۴</sup> (2006) و هینتون و نیویرن<sup>۵</sup> (2009) اقدامات تربیتی و آموزشی پلیس در بعد بین المللی را مورد تحقیق قرار داده اند. کوردنر و شاین<sup>۶</sup> (2011) و پاترسون<sup>۷</sup> (2011) موضوع ارزش گذاری و اثر بخشی تربیت و آموزش پلیس را بررسی نموده اند. مشکلات انسانی و مشکلات سازمانی در مسیر تربیت و آموزش پلیس نیز از موضوعات برجسته در تحقیقات سایر کشورها بشمار می آید (امالی<sup>۸</sup>؛ بلاشک<sup>۹</sup>، 1992؛ مکلافین<sup>۱۰</sup>، 2007). وانایاما<sup>۱۱</sup> (2012) عواملی مانند: بودجه، آموزش، نیاز سنجی آموزش، سن کارآموزان، مهارت ها و تجربیات آنها، روش های آموزشی، کیفیت کار مربیان و سیاستهای

1 Werth

2 Bowling

3 Knowles et al.

4 Bayley

5 Hinton and New

6 Cordner and Shain

7 Paterson

8 O'Malley

9 Blaschek

10 McLaughlin

11 Wanyama,



آموزش آن سازمان، بر کیفیت آموزش دوره‌های آموزشی خصوصا با موضوعات نظریات پلیسی مؤثر می‌باشند. برخی از تحقیقات عملی‌تر نیز این موضوع را بررسی نموده‌اند که چگونه تربیت و آموزش رسمی روی نحوه انجام وظایف پلیسی در ماموریت‌های متنوع تاثیر می‌گذارد (ویلسون<sup>۱</sup> 1978؛ گریمشاو و جفرسون<sup>۲</sup> 1987).

پیشینه داخلی پلیس اطلاعات‌محور: هر چند موضوع ارتباط آموزش یا نقش آموزش بعنوان یک متغیر در پلیس اطلاعات‌محور چندان مورد توجه جدی محققین در داخل کشور نبوده است، تحقیقاتی در این خصوص دیده می‌شود. یآوری بافقی و نجارباغسیاه (1395) در مطالعه خود با محور پلیس اطلاعات‌محور در ناجا با روشی کتابخانه‌ای مفاهیم پلیس اطلاعات‌محور در ناجا را روایت نموده و پیشنهاد ورود مباحث اطلاعات‌محوری در تحقیق و پژوهش بصورت یک متغیر مهم در اجرای اطلاعات‌محوری ارائه می‌دهند. داوودی دهاقانی، هندیانی، احمدی مقدم، محمدی مقدم، و دعاگویان (1396) شاخص‌های برنامه‌ریزی پیشگیری انتظامی از جرم با رویکرد اطلاعات‌محور را شناسایی نمودند که در این میان مولفه فرعی یا اصلی بعنوان آموزش دیده نفی شود.

پیشینه خارجی پلیس اطلاعات‌محور: پلیس اطلاعات‌محور از ابعاد مختلفی مورد سنجش قرار گرفته است. بعنوان مثال راتکلیف (در حال انتشار) معتقد است که به طور خاص آخرین مرحله در مدل پلیس اطلاعات‌محور یعنی مرحله تاثیر گذاری در تصمیم‌گیرنده یا محیط مجرمانه، مهمترین مرحله‌ای است که نیاز به بیشترین آموزش را دارد چرا که تحقیقات وی نشان داده است که افسران ارشد در نیروی انتظامی از این بُعد، آموزش و تربیت چندانی در دسترس ندارند. همچنین راتکلیف (2003) اشاره می‌کند که اهمیت آموزش در پلیس اطلاعات‌محور به گونه‌ای است که پلیس در ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۰۴ در یکی از دوره‌های تخصصی خود در حوزه پیشگیری از جرم، از میان ۶۸

1 Wilson

2 Grimshaw and Jefferson

دوره آموزشی خود، یک مبحث را به پلیس اطلاعات محور اختصاص داده بود. رانگلیف (2000) در مقاله خود ب‌عنوان «اجرا و تلفیق نقشه بندی جرم در پلیس اطلاعات محور» با اشاره به موضوع پلیس اطلاعات محور، یکی از موانع اجرایی شدن مدل اطلاعات محوری را کمبود آموزش در این حوزه عنوان کرده است. وی معتقد است که چنانچه بخواهیم پلیس اطلاعات محور به عنوان یک چارچوب در ساختار نقشه بندی جرم تألیف شود و در محیط اطلاعاتی اجرا گردد نیازمند آموزش و تربیت پلیس هستیم. رانگلیف (۲۰۰۲) با مطالعه تطبیقی که در پلیس نیوزلند انجام داد به این نتیجه رسید که یکی از موانع سر راه اصلاحات پلیس که کمیسیون سلطنتی نیوزلند اجرای آن را برای پلیس این کشور الزامی کرده بود عدم آموزش و برنامه‌های تربیتی پلیس بود و به همین دلیل کمیسیون سلطنتی این کشور پلیس را ملزم به تعریف برنامه‌های آموزشی و تربیتی در قالب پلیس اطلاعات محور، به عنوان یک اصلاحات در حوزه پلیسی مطرح نمود.

همچنین رانگلیف (روحانی، 1392) پیشنهاد می‌کند که بسیاری از استانداردهای رایج آموزشی در حوزه پلیس اطلاعات محور، باید بر اساس بانک‌ها و نرم افزارهای اطلاعاتی، مخصوصاً تجزیه و تحلیل جرم تعریف شود. وی کارکرد یک نرم افزار را گاه‌آ در موفقیت پلیس بیشتر از کارکرد یک سازمان اطلاعات موثر می‌داند. وی با مطالعه حوزه استرالیا به این نتیجه می‌رسد که حوزه پلیس اطلاعات محور بیشتر از آنکه در موضوعاتی مانند کنترل منابع و مخبرین باشد نیازمند ایجاد تئوری‌های جدید بر اساس مفاهیم و اطلاعات محوری می‌باشد. وی پیشنهاد می‌کند در دوره‌هایی که دکتربین پلیس اطلاعات محوری تعریف می‌شود به موضوعاتی مانند مدیریت و منابع و مخبرین توجه کمتری شود. به این معنا که تمرکز بیشتری روی دکتربین اطلاعات محوری شود و با معرفی برنامه توسعه ای پلیس اطلاعات محور پلیس نیوزلند تأکید می‌کند که این برنامه توسعه ای دارای یک بسته آموزشی از راه دور برای ماموران اطلاعاتی است که بتوانند با واقعیت‌های این برنامه آشنا شوند. رانگلیف (2005) با بررسی مدیریت اطلاعات پلیس و اثر بخشی آن در پلیس

نیوزیلند، موضوعات آموزشی و تربیتی، و کیفیت داده و اطلاعات را به عنوان دو متغیر مهم معرفی می‌کند که تحلیلگران اطلاعاتی در کاهش جرم بر اساس مدل اطلاعات‌محوری به آنها نیازمندند. وی یکی از محورهای آموزشی را در این مقاله، شفاف‌سازی نحوه استفاده از اطلاعات و منفی‌زدایی از واژه اطلاعات معرفی می‌کند. راد کلیف در این مقاله خود، با محیط‌شناسی پلیس نیوزلند و مصاحبه با افسران پلیس به این نکته اذعان می‌کند که این مأموران پلیس در جریان مصاحبه، یکی از موانع و مشکلات جدی خود را نحوه ورود داده در سیستم‌های اطلاعاتی معرفی می‌کنند. بر این اساس، آنها معتقدند که کمبود کارکنان متخصص و کمبود محتوای آموزشی راجع به نحوه ثبت داده و نحوه آماده‌سازی داده‌ها برای تحلیل‌گران، موضوعی است که نیازمند دریافت آموزش ویژه، برای رسیدن به پلیس اطلاعات‌محور است و اکثر این مصاحبه‌شوندگان از این نکته که مهارت‌های سخت اینچینی تاکنون آموزش‌های تعریف شده‌ای را نداشته‌اند شکایت داشتند. نکته دیگری که رانگلیف با بررسی پلیس نیوزیلند به آن اذعان می‌کند کمبود آموزش‌های تحلیلی برای اجرای پلیس اطلاعات‌محور است. در حالی که وی معتقد است آموزش تحلیلی در قلب آموزش و تربیت اطلاعاتی در این رویکرد قرار دارد. وی وضعیت کنونی نیوزیلند را اینگونه توصیف می‌کند که اکثر تحلیلگران اطلاعاتی ماهیتاً خودآموزشی رفتار کرده و مهارت‌های کسب شده تحلیلی آنها بر اساس تجربه و نه اینکه بر اساس آموزش بوده است. در مطالعه‌ای که توسط ۳۰ نفر از متخصصان سازمان امنیت و همکاری اروپا (ا.اس.سی.ای، ۲۰۱۷)<sup>۱</sup> انجام شد و اساس آن الگوی i-4 راتکلیف (۲۰۱۶) بود، یکی از نتایج « بحث الزامات قانونی در اجرای پلیس اطلاعات‌محور» (ص. ۲۵) بوده است. عبارت دیگر عمده تمرکز این مدل، در بحث حقوق بشر است. از این حیث، این دسته از محققان معتقدند اجرای قانونهای مرتبط با پلیس اطلاعات‌محور باید به صورت مناسب آموزش داده

1 OSCE

شود تا قوانین و مقررات بین‌المللی را مطابق با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر اعمال کنند.

با توجه به مطالعات اشاره شده می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که حوزه بایسته‌ها و الزامات آموزشی پلیس اطلاعات محور و اطلاعات محور، حوزه‌ای است که کماکان بدون مطالعه و تحقیق باقی مانده است. این موضوع در محیط ناجا مصداق بیشتری دارد چرا که پیشینه مرتبط با آموزش در اطلاعات محوری درون حوزه علمی ناجا به ثبت نرسیده است و نیازمند مطالعه بیشتری است (یاوری بافقی، و نجارباغسیاه، 1395). به نظر می‌رسد از آنجا که آموزش و اطلاعات محوری به عنوان دو متغیر تاثیر گذار بر یکدیگر چندان توسط محققان، مورد سنجش قرار نگرفته‌اند، می‌توان با تأکید بر این متغیرها بایسته‌های الزامات آموزشی پلیس اطلاعات محور را به عنوان یک موضوع مطالعاتی جدی دنبال نمود. همچنین با توجه به اینکه محیط یادگیری در ناجا می‌تواند با توجه به ویژگی‌های خاص این پلیس متفاوت از سایر پلیس‌ها باشد (نجارباغسیاه، و نعمتی، 1393) اجرای یک مدل جدید در سطح راهبردی در این محیط نیازمند مطالعه و بررسی بیشتر از جنبه‌های متفاوت و خصوصاً جنبه آموزش خواهد بود. براین اساس، این تحقیق تلاشی است تا با تمرکز در این حوزه مطالعاتی، الزامات آموزشی که در پلیس اطلاعات محور می‌تواند به عنوان مبنای تعریف دوره‌های آموزشی در این عرصه باشنود را احصا نماید.

ابزار و روش پژوهش

پژوهش حاضر، از حیث و بعد محیط، از نوع میدانی می‌باشد؛ زیرا بر مبنای نظرسنجی کیفی (مصاحبه) انجام شده است؛ بر اساس هدف، پژوهش کاربردی است زیرا با استفاده از رویکرد کیفی و با توجه به داده‌های کیفی، الزامات و بایسته‌های آموزشی پلیس اطلاعات محور احصاء شده‌اند. پس از جمع‌آوری و کدگذاری داده‌ها، مراحل تحلیل داده‌های کیفی گردآوری شده، از طریق کدگذاری باز، محوری و انتخابی (دورنیه<sup>1</sup>،

1 Dornyei

2007) انجام شد. در مرحله کدگذاری باز، کدهای اولیه معنادار یا مقدماتی در ارتباط با موضوع پژوهش استخراج گردید.

جامعه آماری و روش نمونه‌گیری پژوهش: جامعه پژوهش، متخصصان و خبرگان پلیس اطلاعات‌محور بوده‌اند که دارای تجربه خدمتی حداقل 15 سال در این حوزه و همچنین دارای سوابق آموزشی و پژوهشی پیرامون موضوع و در طیف درجه افسری ارشد بودند. برای تعیین نمونه‌های این پژوهش و تعیین این گروه از خبرگان از روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی استفاده شد. تعداد 10 نفر در فرایند پژوهش براساس اصل اشباع نظری مصاحبه شدند. از این تعداد 5 نفر با مدرک دکتری و استاد دانشگاه و 5 نفر مدرس و دانشجوی دکتری بودند. از جمله ویژگی خبرگان این بود که با مفاهیم آموزشی و اطلاعات‌محوری آشنایی داشتند، همچنین با تجربه مدیریت در بخش‌های تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، در این حوزه صاحب نظر و دارای آثار بودند. دوره زمانی مصاحبه از بهمن 1397 تا اردیبهشت 1398 انجام شد.

ابزار جمع‌آوری: برای جمع‌آوری داده‌ها در این بخش از پژوهش از مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته استفاده شده است. در مصاحبه‌های انفرادی با مصاحبه‌شوندگان، ضمن بررسی سؤالات اصلی، برای درک تجارب مصاحبه‌شوندگان سؤالات فرعی نیز مطرح گردید. پژوهشگر در فرایند نمونه‌گیری از شرکت‌کنندگان، داده‌ها را مورد تحلیل قرار داده تا مواردی که ناقص بوده است را با دریافت اطلاعات جدید از شرکت‌کنندگان جدید کامل نموده و محقق به اشباع برسد و مدت زمان انجام هر مصاحبه از 45 دقیقه تا یک ساعت و نیم با ضبط صوت، مصاحبه بود.

روایی و پایایی ابزار اندازه‌گیری: برای اطمینان از روایی ابزار، از نظر اساتید صاحب‌نظر در حوزه پژوهش استفاده شد، ضمن اینکه پرسش‌های فرعی دیگری نیز در کنار هر پرسش برای درک تجارب شرکت‌کنندگان در حین مصاحبه مطرح می‌شد. همچنین از مشارکت‌کنندگان در تحلیل و تفسیر داده‌ها در جلسات بحث و بررسی کمک

گرفته شد. در نهایت پژوهشگر در فرایند مصاحبه با شرکت کنندگان بعدی داده‌ها را مورد تحلیل قرار داد تا مواردی که ناقص بوده را با دریافت اطلاعات جدید از شرکت کننده جدید، کامل کند. اعتبار درونی یافته‌های بخش مصاحبه از طریق بحث و بررسی گروهی مشارکت کنندگان مورد بررسی قرار گرفت. در این جلسه هر یک از مقوله‌های اصلی و فرعی به‌هست آمده مورد مطالعه حاضران قرار گرفت و برخی از یافته‌ها که با یکدیگر همپوشانی داشتند، ادغام و برخی از یافته‌ها نیز به دلیل ارتباط ضعیف، حذف شدند و در نهایت بر روی عوامل باقیمانده اتفاق نظر حاصل شد.

تحلیل داده‌ها: تحلیل داده‌های کیفی پژوهش از طریق تحلیل مضمون انجام شد. در این تحقیق مراحل تحلیل داده‌های کیفی گردآوری شده، از طریق کدگذاری باز، محوری و انتخابی (دورنیه<sup>1</sup>، 2007) انجام شد. در مرحله کدگذاری باز، کدهای اولیه معنادار یا مقدماتی در ارتباط با موضوع پژوهش استخراج گردید. در مرحله کدگذاری محوری، یک مقوله محوری، از میان مفاهیم شناسایی شده مورد اکتشاف قرار گرفت و سپس مقوله‌های دیگر (مقوله‌های فرعی) در زیر مجموعه آن قرار گرفت. در مرحله کدگذاری انتخابی با استناد به مدل ارائه شده توسط راتکلیف (2008) مقوله‌های محوری شناسایی شده ذیل ارکان این الگو دسته‌بندی گردید که در این مقاله به هر رکن یک مقوله اصلی گفته می‌شود. در سطح تحلیل داده‌ها عبارات معنادار در جمله در نظر گرفته شده است.

یافته‌های تحقیق

سوال اصلی تحقیق: الزامات آموزشی در پلیس اطلاعات محور در ناجا کدامند؟

بر اساس اظهارات مصاحبه شونده‌گان، در مجموع تعداد 126 مفهوم اولیه (کد) حاصل گردید. با بررسی کدهای مستخرج از اظهارات مصاحبه شونده‌گان و دسته بندی آنها 13

1 Dornyei

کد محوری شناسایی شد. نحوه دسته بندی کدها و استخراج مقوله ها در جداول شماره 1 و 2 به تفکیک ارائه شده است.

جدول شماره 1- مقوله های استخراجی در زمینه بایسته های آموزشی ارکان اطلاعات محوری در ناجا

مقوله اصلی	کد محوری (مقوله های فرعی)	مفاهیم (سرفصل های آموزشی)
تصمیم گیرنده	ویژگی های شناختی دانشی	تفکر راهبردی - تفکر سیستمی - آینده پژوهی - آموزش های آماری خصوصاً آمارهای استنباطی (دانش آماری) - فرایندها و مدل های تصمیم گیری - تعریف و مفاهیم
	ویژگی های شخصیتی	مفاهیم سیستمی ایجاد فساد و جرم در جوامع هدف (تفکر نظارتی) - راهبردهای کار گروهی و شیوه های شبکه سازی - نحوه استفاده از معاونت های پژوهش و آموزش (دفا تر تحقیقات کاربردی و مجتمع ها و مراکز آموزش) - (توانایی ایجاد تعامل/ ساختار) - نحوه ارتباط با تحلیلگران (تعامل) - نحوه ساختار سازی تحلیل - آموزش نحوه مشارکت کارکنان در تصمیم گیری - ویژگی های تصمیم گیرنده کارآمد
	بینشی	نحوه حفاظت از اطلاعات (بینش نظارتی) - تحلیل های راهبردی
محیط مجرمانه	محیط شناسی	شناخت عوامل درون و برون سازمانی موثر در تصمیم گیری - انواع محیط های مجرمانه (محیط های مجازی و واقعی) - تغییر و تحولات محیط
اطلاعات جرم	اطلاعات نوع جرم	شناخت عناصر جرم - تجزیه و تحلیل جرم
	اطلاعات مجرم	شناخت مجرمین و بزه دیدگان
	فرایندسازی اطلاعات جرم	اشراف اطلاعاتی - روش های کسب اطلاعات - نیازمندی های اطلاعاتی - تلفیق اطلاعات - تحلیل اطلاعات - تفسیر اطلاعات - ارزیابی اطلاعات - برآورد اطلاعاتی جرایم (در مرحله انتشار) - تجزیه و تحلیل اخبار و تولید

اطلاعات - توزیع و اطلاع رسانی - تطبیق اطلاعات - آشنایی با ابزار و تکنولوژی نوین - مفهوم اطلاعات - انواع اطلاعات - شاخصه های سواد اطلاعاتی		
آشنایی با ابزار و تکنولوژی نوین - نحوه استفاده از اطلاعات (تصمیم سازی اطلاعات جرم)	تصمیم سازی	

یافته های تحقیق نشان می دهد که رکن های تصمیم گیرنده، محیط مجرمانه و اطلاعات جرم هر سه نیازمند برنامه ریزی آموزشی می باشند؛ هر چند که تعداد 2 نفر از پاسخ دهندگان معتقد به این بودند که ارکان تصمیم گیرنده و اطلاعات نیز برای آموزش اهمیت دارند.

(پاسخ دهنده):... بنابراین، اینکه کدام رکن باید آموزش داده شود درست نیست بلکه همه [ارکان] باید آموزش ببینند.

(پاسخ دهنده): الان باید بگوییم برای هر کدام از این ها چه سرفصل هایی نیاز است ضمن اینکه توأمان همه اینها باید دنبال شوند.

(پاسخ دهنده): بنظر من مهمترین رکن تصمیم گیرنده است. منظور من از تصمیم گیرنده نه تنها تصمیم گیرندگان ناجایی بلکه تصمیم گیرندگانی که کار آنها بر محیط مجرمانه تاثیر معناداری دارد نیز می شود. بعد از آن رکن اطلاعات جرم خصوصا تحلیلگران نیازمند ارائه آموزش است.

بر اساس یافته های تحقیق (جدول شماره 1) ارکان اطلاعات محوری از جنبه هفت کد محوری (مقوله فرعی) نیازمند آموزش می باشند. در ادامه به هر یک از مقوله های فرعی (سوالات فرعی) مرتبط با هر رکن اطلاعات محوری اشاره می شود.

سؤال فرعی اول: الزامات آموزشی رکن تصمیم گیرنده در پلیس اطلاعات محور در ناجا کدام است؟



مقوله «ویژگی های شناختی - دانشی»؛ این مقوله از 6 مفهوم شامل: تفکر راهبردی، تفکر سیستمی، آینده پژوهی، آموزش های آماری، خصوصاً آمارهای استنباطی (دانش آماری)، فرایندها و مدل های تصمیم گیری، تعریف و مفاهیم تشکیل شده است که نیازمند آموزش می باشد. بر این اساس پاسخ دهندگان معتقد بودند که:

(پاسخ دهنده):... و قطعاً نیاز است که فرآیندها و مدل های مختلف تصمیم گیری در رویکردهای اطلاعات محوری شناسایی و آموزش داده شوند.

(پاسخ دهنده): در رکن تصمیم گیرنده بنظر من سرفصل های تفکر راهبردی، تفکر سیستمی، آینده پژوهی، ب عنوان سرفصل های موضوعی برای آموزش، ضروری می باشند.

مقوله «ویژگی های شخصیتی»: این مقوله از 7 مفهوم تشکیل شده است که نیازمند آموزش در پلیس اطلاعات محور شناسایی شده اند. این نیازمندیها عبارتند از مفاهیم سیستمی ایجاد فساد و جرم در جوامع هدف (تفکر نظارتی)، راهبردهای کار گروهی و شیوه های شبکه سازی، نحوه استفاده از معاونت های پژوهش و آموزش (دفاتر تحقیقات کاربردی و مجتمع ها و مراکز آموزش)، نحوه ارتباط با تحلیلگران (تعامل)، نحوه ساختار سازی تحلیل، آموزش نحوه مشارکت کارکنان در تصمیم گیری و ویژگیهای تصمیم گیرنده کلوا آمد، است.

(پاسخ دهنده): بنابراین در تصمیم گیری ما باید به کارکنان نحوه مشارکت را آموزش دهیم شیوه های جلب مشارکت کارکنان را آموزش دهیم.

(پاسخ دهنده): در رکن تصمیم گیرنده بنظر من سرفصل های: مفاهیم سیستمی ایجاد فساد و جرم در جوامع هدف، راهبردهای کار گروهی و شیوه های شبکه سازی، نحوه استفاده از معاونت های پژوهش و آموزش (دفاتر تحقیقات کاربردی و مجتمع ها و مراکز آموزش)، نحوه ارتباط با تحلیلگران، نحوه ساختار سازی تحلیل، برای آموزش ضروری تر می باشد.

مقوله «بینشی»: بر اساس یافته های تحقیق، رکن تصمیم گیرنده نیازمند آموزش های بینشی نیز خواهد بود. بر این اساس این مقوله از 2 مفهوم تشکیل شده است که شامل: نحوه حفاظت از اطلاعات (بینش نظارتی) و تحلیل های راهبردی است.

(پاسخ دهنده): بنظر من نحوه حفاظت از اطلاعات، تحلیل های راهبردی سرفصل های موضوعی برای آموزش ضروری تر می باشد.

(پاسخ دهنده): مقررات و آیین نامه های حفاظتی باید آموزش داده... البته باید با توجه به تغییرات سریع اطلاعات، ملاحظات و مقررات حفاظتی را نیز به سرعت تدوین، تغییر و آموزش دهیم تا عقب نمانیم.

سؤال فرعی دوم: الزامات آموزشی رکن محیط مجرمانه در پلیس اطلاعات مح و در ناجا کدام است؟

مقوله «محیط شناسی»: این مقوله از 3 مفهوم آموزش پلیس اطلاعات محور تشکیل شده است که شامل: شناخت عوامل درون و برون سازمانی موثر در تصمیم گیری، انواع محیط های مجرمانه (محیط های مجازی و واقعی)، تغییر و تحولات محیط، می باشد.

(پاسخ دهنده): وقتی می خواهیم که برای کارکنان سرفصل آموزشی تدوین کنیم باید اینها با انواع محیط مجرمانه با تحولاتی که در این محیط، تغییراتی که در این محیط اتفاق می افتد، فناوری های مختلف در محیط مجرمانه آشنا شوند.

(پاسخ دهنده):... آموزش بیشتر در خصوص محیط مجرمانه ضروری است چرا که اگر محیط مجرمانه را درست و کامل بشناسیم چون اطلاعات محیط مجرمانه است که ما را به متهم، بزه دیده و انتساب جرم به مجرم می رساند. بیشتر می توانم ما را به موفقیت برساند.

سؤال فرعی سوم: الزامات آموزشی رکن اطلاعات جرم در پلیس اطلاعات محور در ناجا کدام است؟

مقوله «اطلاعات نوع جرم»: یافته های تحقیق در رابطه با این ویژگی نیازمند آموزش دو مفهوم شامل شناخت عناصر جرم و تجزیه و تحلیل جرم است.

(پاسخ دهنده): ما باید تحلیلگر اطلاعاتی تربیت کنیم یعنی هر مأموری یک تحلیلگر اطلاعاتی باشد و بتواند اطلاعات پرونده را تحلیل کند این در سطح عمومی است.

مقوله «اطلاعات مجرم»: برابر یافته‌های تحقیق این مقوله شامل مفاهیم شناخت مجرمین و بزه دیدگان می‌باشد.

مقوله «فرایندسازی اطلاعات جرم»: یافته‌های تحقیق نشان داد که این مقوله شامل 15 مفهوم است که عبارتند از: اشراف اطلاعاتی، روش‌های کسب اطلاعات، نیازمندی‌های اطلاعاتی، تلفیق اطلاعات، تحلیل اطلاعات، تفسیر اطلاعات، ارزیابی اطلاعات، برآورد اطلاعاتی جرایم (در مرحله انتشار)، تجزیه و تحلیل اخبار و تولید اطلاعات، توزیع و اطلاع‌رسانی، تطبیق اطلاعات، آشنایی با ابزار و تکنولوژی نوین، مفهوم اطلاعات، انواع اطلاعات، شاخصه‌های سواد اطلاعاتی.

(پاسخگو): سرفصل‌های مرتبط با این رکن [اطلاعات]: برآورد اطلاعاتی جرایم - کسب و جمع‌آوری اخبار به روش‌های مختلف - تجزیه و تحلیل اخبار و تولید اطلاعات - توزیع و اطلاع‌رسانی.

(پاسخگو):... تمامی تصمیمات مبتنی بر اطلاعات باشد یعنی هوشمندانه و آگاهانه باشد.... هیچ فرماندهی بدون اطلاعات، هیچ تصمیمی را در سازمان نگیرد یعنی وقتی که تصمیم می‌گیرد از مبادی مختلف اطلاعات را جمع‌آوری کند و تجزیه و تحلیل کند راهکارهای مختلف را انتخاب کند و تصمیم‌گیری کند.

(پاسخگو): باید دانش اطلاعاتی را کسب کنیم و اصطلاحاً سواد اطلاعاتی را باید برای خودتان به دست آورید.

(پاسخگو): برای کاهش، اختلال و کشف اشراف اطلاعاتی لازم است و مهمترین عامل، احاطه کامل پلیس بر سیر تکوین جرم از تولد تا افول است.

(پاسخگو): آموزش اینکه یک با سواد اطلاعاتی چه خصیصه‌هایی دارد؟ اولین ویژگی آن این است که ماهیت و گستره نیاز اطلاعاتی خودش را بداند یعنی بداند که چه می‌خواهد، چقدر می‌خواهد و....

مقوله «تصمیم‌سازی»: این مقوله شامل دو مفهوم آشنایی با ابزار و تکنولوژی نوین و نحوه استفاده از اطلاعات (تصمیم‌سازی اطلاعات جرم) می‌باشد. (پاسخگو): مهم این نیست ما اطلاعات را جمع کنیم، مهم این است که این اطلاعات برای ما کاری انجام دهد کار کشیدن از اطلاعات مهم است.

بحث و نتیجه‌گیری  
براساس نتایج تحقیق بنظر می‌رسد آموزش تصمیم‌گیرندگان از ابعاد مختلف در اجرای پلیس اطلاعات محور مهم است. این مفهوم مورد توجه سایر محققین نیز بوده است (استرکی، و دادوند، 1389؛ بهرنگی، 1389). لیکن در پلیس اطلاعات محور مباحث تفکر راهبردی، تفکر سیستمی، آینده‌پژوهی، آموزش‌های آماری، و مدل‌های تصمیم‌گیری در امور پلیسی در کانون توجه قرار دارد. در این میان آموزش‌های شخصیتی شامل تفکر نظارتی، راهبردهای کار گروهی و شیوه‌های شبکه‌سازی، نحوه تعامل با مراکز دانشگاهی و پژوهشی موضوعاتی هستند که در تحقیقات مشابه نیز مورد اشاره قرار گرفته‌اند (باوری بافقی، نجارباغسپاه، 1395). آموزش نحوه ساختارسازی تحلیلی، آموزش نحوه مشارکت کارکنان در تصمیم‌گیری، نحوه حفاظت از اطلاعات و تحلیل‌های راهبردی، نیز آموزش‌هایی هستند که بنا به نتایج تحقیق در سطح مدیران و تصمیم‌گیرندگان نیاز به اجرای آنها است.

در زمینه محیط مجرمانه، شناخت انواع محیط‌های مجرمانه (محیط‌های مجازی و واقعی)، آموزش نحوه آشنایی با تغییر و تحولات محیط ضروری به نظر می‌رسد. محیط‌شناسی جرم در تحقیقات قبلی نیز مورد شناسایی قرار گرفته است.

هر چند در خصوص نوع آموزش اطلاعات جرم و مجرم (اطلاعات جنایی) تحقیقات چندانی در پلیس اطلاعات محور انجام نشده است، اما یافته‌ای این تحقیق تاکید میکند که آموزش جرم‌شناسی، نحوه تجزیه و تحلیل جرم، راه‌های کسب اشراف اطلاعاتی، آشنایی با ابزار و تکنولوژی نوین، و نحوه استفاده از اطلاعات (تصمیم‌سازی اطلاعات جرم)

آموزش هایی هستند که در پلیس اطلاعات محور و تحقیقات راجع به آن به اثبات رسیده اند (داوودی و همکاران، 1396؛ یاوری بافقی، نجار باغسیاه، 1395)

بطور کلی بر اساس نتایج بدست آمده و استنباط از مقوله های شناسایی شده به نظر می رسد موضوع اطلاعات محوری به عنوان یک فلسفه جدید در علوم پلیسی باید با جدیت بیشتری مورد توجه مدیران آموزشی قرار گیرد، چراکه اگر می خواهیم این مدل در فلسفه مدیریتی ناجا نیز مورد توجه باشد ناگزیر از ارائه آموزش ها خواهیم بود. این آموزش ها بر اساس نتایج این تحقیق در سه رکن اطلاعات جرم، محیط مجرمانه و تصمیم گیرنده قابل برنامه ریزی است که بر اساس ارجحیت می توان به ویژگی های شناختی دانشی، ویژگی های شخصیتی، محیط شناسی، اطلاعات نوع جرم، اطلاعات مجرم، فرایندسازی اطلاعات جرم، مدل های تصمیم سازی، معرفی فن آوری های نوین، نوع شناسی مدیریت جرم، نوع شناسی مدیریت مجرم یا بزه دیده، و تجربه سازی از حوادث گذشته اشاره نمود.

پیشنها دها

در گام اول بر اساس نظریه باور پذیری باید تلاش نمود تا ابتدا در فرماندهان ناجا این گفتمان (اطلاعات محوری) را ایجاد نمود. بنابراین، آموزش نحوه ایجاد ساختارهای اطلاعات محورانه در حوزه های استحقاظی ویژه فرماندهان استان، کلانتری ها و پلیس های تخصصی (دوره های تخصصی) مناسب خواهد بود. راهکارهای ذیل گام های بعدی خواهند بود:

- اولویت های آموزشی احصاء شده در این پژوهش، توسط مراکز آموزش ناجا با محوریت معاونت تربیت و آموزش ناجا تدوین و آموزش داده شوند.
- در نظر گرفتن حداقل 2 واحد آموزشی در دروس عمومی ویژه مقاطع کاردانی و کارشناسی (در سطح عملیاتی)
- در نظر گرفتن 2 واحد درسی مدیریت اطلاعات محورانه امور پلیسی در مقطع کارشناسی ارشد ویژه تمام رشته ها.

- در نظر گرفتن 2 واحد درسی در مقطع دکتری با عنوان راهبردهای پلیسی برای تمام گرایش‌ها
- تعریف دپارتمان یا گروه امور پلیسی در دانشگاه علوم انتظامی و نیز در معاونت آموزش ناجا و برنامه‌ریزی آموزشی برای تهیه منابع آموزشی و پژوهشی توسط این گروه.
- در سطوح مختلف مدیریتی، آموزش‌ها بایستی متفاوت باشد. براین اساس، هرچقدر ارتفاع هرم بیشتر شود آموزش‌ها مفهومی‌تر می‌شود و هرچقدر به قاعده نزدیک شویم آموزش‌ها بیشتر تکنیکی می‌شود؛ یعنی از پایین به بالا به ترتیب آموزش‌ها باید تکنیکی، تاکتیکی و استراتژیکی باشد. به عنوان مثال در سطح عالی؛ آموزش تفکر راهبردی، راهبردهای کار گروهی و شیوه‌های شبکه‌سازی، نحوه استفاده از معاونت‌های پژوهش و آموزش، نحوه ارتباط با تحلیلگران (مقام)، نحوه ساختارسازی تحلیل، آموزش نحوه مشارکت کارکنان در تصمیم‌گیری، و ویژگیهای تصمیم‌گیرنده کارآمد به عنوان سرفصل‌های آموزشی پیش‌بینی شوند. در سطح میانی و کارشناسان سرفصل‌های آموزشی از قبیل آموزش نحوه نقشه‌بندی جرم - شناسایی شاخص‌های تعیین مناطق پر خطر - تکنیک‌های تحلیل محیطی - مدل‌های مختلف کاهش جرم (مدل سازی کاهش جرم) - آموزش برنامه‌ریزی - شناخت عناصر جرم - تجزیه و تحلیل جرم - آموزش نحوه برنامه‌ریزی با در نظر گرفتن کاهش جرم تعریف شوند و در نهایت برای لایه‌های عملیاتی سرفصل‌های آموزشی اجرایی مانند؛ آشنایی با ابزار و فن آوری نوین و نحوه استفاده از آنها پیشنهاد می‌گردد.
- استمرار آموزش در طول خدمت و متناسب با تغییرات فن آوری و تجهیزات روز برای تحلیلگران اطلاعات.

منابع

- استرکی، ا.، دادوند، ب. (1389). بررسی فرآیند آموزش زبان انگلیسی افسران ناجا: نیازسنجی، آسیب‌شناسی و طرح پیشنهادها. مدیریت بر آموزش انتظامی، 3(1)، 1-22.
- بهرنگی، م.ر. (1389). نقشه مفهومی مطلوب ساخت شناخت و دانش: تزریق برنامه ریزی درسی به مراحل آموزش و تاثیر آن در یادگیری. مدیریت بر آموزش انتظامی، 3(1)، 38-48.
- 23.
- حاتمی، زهرا، فتحی واجارگاه، کورش، زمانی مقدم افسانه، جعفری، پریش، (1397). شناسایی مؤلفه‌های ارتقای کیفی آموزش و بهسازی کارکنان (مورد: ستاد مرکزی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی). فصل‌نامه آموزش در علوم انتظامی، 5(4)، 11-38.
- داوودی دهاقانی، ابراهیم، هندیانی، عبدالله، احمدی مقدم، اسماعیل، محمدی مقدم، یوسف، و دعاگویان، داوود. (1396). شاخص‌های برنامه ریزی پیشگیری انتظامی از جرم با رویکرد اطلاعات‌محور. دانش انتظامی، 3، 46-54.
- روحانی، احمد. (1392). پلیس اطلاعات‌محور. تهران: دانشگاه علوم انتظامی شاپک، مریم (1391). بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت آموزش ضمن خدمت بلندمدت، دو فصلنامه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش‌های ضمن خدمت بلندمدت، شماره 9: 111-142.
- صبرکش، علیرضا، مزینانی، حیبالله، نورمحمدی، هادی (1395). آموزش و توسعه منابع انسانی در سازمان، مطالعات مدیریت بر آموزش انتظامی، شماره چهارم (پیاپی 24) سال ششم 108-134.
- نچارباغسیاه، رسول، و نعمتی، مجید. (1393). تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای فرمول‌های کلامی در آموزش زبان انگلیسی به مأموران پلیس. فصلنامه آموزش در علوم انتظامی، 4(2)، 105-126.
- وزارت کشور جمهوری صربستان (2016). راهنمای مدل اطلاعاتی پلیس. صربستان: وزارت کشور.

یاوری بلفقی، امیرحسین و نجار باغسیاه. رسول (1388). رویکرد پلیس اطلاعات محور: طراحی جدید از اطلاعات. تهران: حدیث کوثر.

یاوری بافقی، امیرحسین. (1393، بهمن ماه). اجرای رویکرد پلیسی اطلاعات محور در ناجا. مصاحبه توسط رسول نجار باغسیاه [بدون ضبط صدا]. تهران: دانشگاه علوم انتظامی.

یاوری بافقی، امیرحسین و نجار باغسیاه. رسول (1395). رویکرد اطلاعاتی در امور انتظامی: شناختی بر پلیس اطلاعات محور. تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین.

Amadi, E. J. (2014). The effect of training and development on employees' performance; at Safaricom limited call center". <http://hdl.handle.net/11295/78203>

Alfani A. M. (2016). "Training Impact On The Performance Of Employees "A Case Jordanian Travel And Tourism Institutions". Medwell Jurnal Vol.10 (4), pp:377-384.

Bayley, D. (2006). Changing the guard: developing democratic policing abroad. New York: Oxford University Press.

Blaschek, H. (1992). Austria case study. In P. Jarvis (ed.), Perspectives on adult education and training in Europe. London: National Institute of Adult Continuing Education.

Bowling, B., & Sheptycki, J. (2010). Global policing. London: Sage Publication.

Brew, A. (1995). Directions in staff development. The society for research into higher education and open university press.

Cordner, G., & Shain, C. (2011). The changing landscape of police education and training. Police Practice and Research, 12(4): 281-285.

Dorneye, Z. (2019). Research in second language acquisition. London: Routledge.

Eterno, J. A., Verma, A., Das, A. M. & Das, D. K. (2017). Global issues in contemporary policing. London: CRC Press.

Grimshaw, R. & Jefferson, T. (1987). Interpreting police work. London: Allen Unwin.



- Hinton, M.S. & Newburn, T. (2009). Policing development democracies. Abingdon: Routledge.
- Kirkpatrick, D. L. (1998). Techniques for evaluating training programs. San Francisco: Berrett Koehler.
- Knowles, M. S., Holton, E. F., & Swanson, R. A. (2005). The adult learner. The definitive classic in adult education and human resource development. Amestrdam: Elsevier.
- McLaughlin, E. (2007). The new policing. London: Sage
- Miller, D. (1976). Need Assessment. Oxford: clarendon Press.
- O'Malley, P. (1997). Policing, politics and postmodernity. *Social and Legal Studies*, 6(3): 363-381.
- OSCE. (2017). Intelligence-led policing. Vienna: OSCE.
- Paterson, C. (2011). Adding value? a review of the international literature on the role of higher education in police training and education. *Police Practice and Research*, 12(4): 286-297.
- Raheja K. (2015). Method of training and development. *Innovative Journal of Business and Management*, 4(2), 35 – 41.
- Ratcliffe, J. H. (2000). Implementing and integrating crime mapping into a police intelligence environment. *International Journal of Police Science and Management*, 2(4), 313-323.
- Ratcliffe, J. H. (2002). Intelligence-led policing and the problem of turning rhetoric into practice. *Policing and Society*, 12(1), 53–66.
- Ratcliffe, J. H. (2003). Intelligence-led policing. *Trends and Issues in Crime and Criminal Justice*, 248: 1-6.
- Ratcliffe, J. H. (2005). The effectiveness of police intelligence management: a New Zealand case study. *Police Practice and Research*, 6 (5): 435-451.
- Ratcliffe, JH (2008) "Intelligence-led policing". In; Wortley, R, Mazerolle, L, and Rombouts, S (Eds) *Environmental Criminology and Crime Analysis* (Willan Publishing: Cullompton, Devon).
- Ratcliffe, J. H. (2016). *Intelligence-Led Policing*, 2nd Edition. London/New York: Routledge, 2016).
- Stanislas, P. (2014). *International perspectives on police education and training*. New York: Taylor & Francis Group.
- Wanyama, R. E. (2012). "Factors affecting training and developement of employees within the sugar industry in Kenya: a case study of

Nzoia Sugar Company". <http://ir-library.ku.ac.ke/handle/123456789/2951>.

Werth, E. P. (2009). Student perception of learning through a problem-based learning exercise: an exploratory study. *Policing: an International Journal of Police Strategies and Management*, 32(1): 21-37.

Wood, J. and shearing, C (2007). *Imagining Security*. Cullompton,UK: Willan Publishing.